

اندر حکایت نگارش اعلامیه «حکم می کنم»

۲۷ اسفند ۱۳۹۶ ساعت ۱۹:۳۳

بعد از اینکه رضاخان، شاه ایران شد، روزنامه‌های خارجی با اشاره به طبقه اجتماعی پایین او، ماجراهای دیپلماتیک فراوانی را به وجود آوردند. علاوه بر این بریتانیا با درج مقالات خبری و اشاره به اصالت رضا شاه، به راحتی میان ایران و دیگر کشورها - خصوصاً ایالات متحده - تنش‌های دیپلماتیک به وجود می‌آورد.

کافه تاریخ - کشکول

کودتای ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ افسر گمنامی به نام رضا را وارد عرصه سیاست کرد. وی در ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ دو «اعلامیه» منتشر ساخت. بیوگرافی کوتاهی که در آوریل سال ۱۹۲۳ آماده شد، پیش‌زمینه خوبی از رضا شاه پهلوی آینده ارائه می‌کند: «در سال ۱۸۷۶ در سوادکوه مازندران در خانواده‌ای فقیر متولد شد. پدرش ایرانی و مادرش از مهاجرین قفقازی بود که زادگاه او پس از توافقنامه ترکمنچای به دست روس‌ها افتاد (۱۸۲۸). در ۱۶ سالگی وارد ارتش شد و مدارج نظامی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت تا اینکه در نهایت در هنگ قزاق‌ها به درجه کلنلی ارتقا یافت. وی قادر است به روسی و ترکی صحبت کند ولی در مجموع بی‌سواد است. در کودتای ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ به عنوان فرمانده نیروهای نظامی که به سمت تهران حرکت کردند، انتخاب شد. سیدضیاء و دیگر رهبران جنبش امیدوار بودند به محض اینکه رضا اهداف ایشان را عملی ساخت، می‌توانند از شر او خلاص شوند. اما وی نه تنها در برابر تلاش‌های ایشان ایستادگی کرد و از جایگاه فرماندهی خود کنار نرفت، بلکه با برکنار کردن وزیر جنگ (۲۶ آوریل ۱۹۲۱) شخصاً وزارت جنگ را بر عهده گرفت و با این کار امید رهبران کودتا را به یأس تبدیل کرد. سپس سیدضیاء را سرنگون کرد (می ۱۹۲۱) و از آن زمان تاکنون در مسند وزارت جنگ بانفوذترین عضو کابینه می‌باشد.» بعد از اینکه رضاخان، شاه ایران شد، روزنامه‌های خارجی با اشاره به طبقه اجتماعی پایین او، ماجراهای دیپلماتیک فراوانی را به وجود آوردند. علاوه بر این بریتانیا با درج مقالات خبری و اشاره به اصالت رضا شاه، به راحتی میان ایران و دیگر کشورها - خصوصاً ایالات متحده - تنش‌های دیپلماتیک به وجود می‌آورد. همچنین از آنجا که رضا «تقریباً بی‌سواد» بود، کاملاً مشخص است که «اعلامیه رضاخان میرپنج به تاریخ ۲۲ فوریه ۱۹۲۱» توسط اربابان او تهیه شده است. در این اعلامیه می‌خوانیم: حکم می‌کنم: ماده اول -

تمام اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند. ماده دوم- حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و پلیس مأمور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید. ماده سوم- کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش و انتظامات واقع شوند، فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد. ماده چهارم- تمام روزنامه‌جات، اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به کلی موقوف و بر حسب حکم و اجازه که بعد داده خواهد شد، باید منتشر شوند. ماده پنجم - اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه بکلی موقوف، در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند با قوه قهریه متفرق خواهند شد. ماده ششم- و در تمام مغازه‌های شراب فروشی و عرق فروشی، تأثر و سینما فوتوگرافها و کلوپ‌های قمار باید بسته شود و هر مست دیده شود به محکمه نظامی جلب خواهد شد. ماده هفتم - تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات و دوائر دولتی غیر از اداره ارزاق تعطیل خواهند بود. پستخانه و تلگرافخانه و تلفونخانه هم مطیع این حکم خواهند بود. ماده هشتم- کسانی که در اطاعت از مواد فوق خودداری نمایند به محکمه نظامی جلب و به سخت‌ترین مجازات‌ها خواهند رسید. ماده نهم- کاظم‌خان به سمت کماندانی شهر انتخاب و معین می‌شود و مأمور اجرای مواد فوق خواهد بود. (امضا)، رئیس دیویزیون قزاق اعلی حضرت اقدس شهرداری و فرمانده کل قوا. (رضا)

اعلامیه دیگری که در ۲۲ فوریه منتشر شد از این قرار است: ما پایتخت را تسخیر نکرده‌ایم، زیرا نمی‌توانستیم اسلحه خود را در جایی بلند کنیم که شهريار اقدس و تاجدار ما حضور دارد. فقط به تهران آمدیم که معنی حقیقی سرپرستی مملکت و مرکزیت حکومت بدان اطلاق گردد. حکومتی که در فکر ایران باشد، حکومتی که فقط تماشاچی بدبختی‌ها و فلاکت ملت خود واقع نگردد. حکومتی که تجلیل و تعظیم قشون را از اولین سعادت مملکت بشمار آورد، نیرو و راحتی قشون را یگانه راه نجات مملکت بداند. حکومتی که بیت‌المال مسلمین را مرکز شقاوت‌ها، کانون مظالم و قساوت نسازد. حکومتی که در اقطار سرزمین آن هزارها اولاد مملکت از گرسنگی و بدبختی حیات را بدرود نگویند. حکومتی که ناموس و عصمت گیلانی [تبریزی، کرمانی] را با خواهر خود فرق نگذارد. حکومتی که برای زینت و تجمل معدودی، بدبختی مملکتی را تجویز ننماید. حکومتی که بازچه دست سیاسیون خارجی نباشد. حکومتی که برای چند صد هزار تومان قرض هر روز آبروی ایران را نریزد و مملکت خود را زیر بار فروتنی نبرد. ما سرباز هستیم و فداکار حاضر شده‌ایم برای انجام این آمال خود را نثار نمائیم و غیر از قوت و عظمت قشون برای حفظ شهريار و وطن مقدس آرزویی نداریم؛ هر لحظه چنان حکومتی تشکیل شود و موجبات شرافت وطن، آزادی، آسایش و ترقی را عملاً نمودار سازد و با ملت نه مثل گوسفند زبان بسته رفتار نماید بلکه به معنی واقعی ملت بنگرد، آن لحظه است که ما خواهیم توانست به آتیه امیدوار بوده و چنانچه نشان دادیم وظیفه مدافعه وطن را ایفا نمائیم، با تمام برادران نظامی خود، ژاندارم، افواج پلیس که آنها هم با دل‌های دردناک شریک فداکاری اردوی قزاق بودند، کمال صمیمیت را داشته و اجازه نخواهیم داد که دشمنان سعادت قشون، بین ماها تفرقه و نفاق بیافکنند؛ همه شاه پرست و فداکار وطن، همه اولاد ایران، همه خدمتگذار مملکت هستیم. زنده باد شاهنشاه ایران! زنده باد ملت ایران، پاینده باد ملت ایران قوی و با عظمت باد قشون قزاق دلاور ایران. (امضا) رضا، رئیس دیویزیون قزاق اعلی حضرت شهرداری و فرمانده کل قوا. (رضا)

